

# الگوهای خدمتگزاری

عالمان خدمتگزار

محمد عابدی

## مقدمه

بخشیده‌اند. به راستی، چه انفاقی بالاتر از این خدمت خالصانه و همه‌جانبه. گویی در طول تاریخ، عالمان دین در این مسیر انسانی دست به مسابقه‌ای بزرگ زده‌اند، به طوری که سیمای هر یک درخشان‌تر از دیگری جلوه می‌کند.

و بی‌گمان آنان مصداق این آیه شریفه‌اند که:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾ ﴿١﴾ لِيُؤْتِيَهُمَ اللَّهُ جُزْءَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢﴾

عالمان دین، خادمان مخلص بشریت و ستارگان پرفروغ رحمانی‌اند که برای هدایت رهپویان طریق خدمت و ایثار به خلق، فروغی به گستردگی تاریخ دارند و سرگذشت زندگانی آنان گواه روشنی بر این ادعاست که: «عالمان ما همسایه دیوار به دیوار غم و شادی مردم و خادمان بی‌منت آنان بوده و هستند.» مردانی که خدمت به خلق را عین عبادت دانسته و هر چه از مال و مقام، نفوذ و آبرو، دانش و تخصص، و توان و جان داشته‌اند، وقف بندگان خدا کرده‌اند و صحیفه عمر خویش را به مهر خدمت به مردم زینت و نورانیت

تسهران می‌گفت: «روزی در خدمت ایشان بودم. هیچ کس آنجا نبود. ناگاه آقا نگاهی به من کرد و فرمود: فردی در خانه است و خواسته‌ای دارد.

عرض کردم: آقا کسی زنگ نمی‌زند. فرمود: چرا، کسی هست. این پاکت را به او بدهید تا برود. پاکت را گرفتم و جلو در آمدم. شخص محترمی را دیدم که قدم می‌زند. او را صدا کردم و گفتم: شما زنگ زدید؟ گفت: خیر! پرسیدم کاری دارید؟ گفت: آری! همسرم بیمار است و برای بستری شدن او هشت هزار تومان کسری دارم... پاکت را به او دادم، همان‌جا باز کرد و شمرد، درست هشت هزار تومان بود.»<sup>۲</sup>

☐ آیت الله سید محمد کاظم

قزوینی

آیت الله قزوینی برای شناساندن مذهب تشیع در سال ۱۳۸۰ هـ ق مؤسسه‌ای با عنوان «رابطة النشر الاسلامی» در کربلا تأسیس کرد. بنیان نهادن چنین مرکزی در آن زمان و

«کسانی که این کتاب را می‌خوانند و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به آنها داده‌ایم در نهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی امید دارند که هرگز از بین نمی‌رود تا اینکه خدا پاداش آنان را عطا فرماید و از فضل خود به آنان زیادتى دهد. همانا او آمرزنده و سپاسگزار است.»

روشن است که بروز این گونه جلوه‌های رفتاری از سوی عالمان دین علاوه بر خاستگاه قرآنی، در آموزه‌های نبوی و علوی نیز ریشه دارد. از جمله، رسول خدا ﷺ فرمود: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَاحْبِبِ الْخَلْقَ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا؛ مردم روزی خوار خدایند. دوست داشتنی‌ترین مردم نزد خدا، کسی است که به روزی خواران خدا سود برساند و خانواده‌ای را شاد کند.»<sup>۱</sup>

پس از بیان این مقدمه، به تماشای فرازهایی انسان‌پرور از زندگی عالمان خدمتگزار می‌نشینیم و گفتار و رفتار شایسته‌شان را الگوی خویش می‌سازیم.

☐ آیت الله سید احمد خوانساری

یکی از بازرگانان مورد اعتماد

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۰۲.

۲. کرامات الصالحین، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

بزرگوار، در طی چند سال، یک میلیون کتاب به سی کشور ارسال کرد که در این میان، ایجاد امواج تشیع‌گرایی در کشورهای شمال آفریقا را باید مدیون این تلاشها دانست.<sup>۱</sup>

### ■ امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام پس از آنکه حکم ریاست جمهوری شهید رجایی را تنفیذ نمود، در سخنرانی‌اش در مورد خدمت به مردم فرمود: «اینها حق دارند به ما و شما. خیلی حق دارند. سیزده میلیون رأی به شما داده‌اند. اینها حق دارند به شما. باقی هم حق دارند... دست شما را گرفته، آورده [اند] این بالا نشانده [اند]. شما باید خدمت کنید به این مردم. شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم. و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم.»<sup>۲</sup>

همچنین امام خمینی علیه السلام در جمع

شرایط اختناق‌آمیز کشور عراق، نظیر نداشتن برنامه مؤسسه، ارتباط با کشورهای اسلامی، مکاتبه با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی دنیای اسلام و فرستادن کتب و نشریات شیعی به صورت رایگان برای افراد و مراکز فرهنگی بود. محور این تلاشها، فرستادن کتاب به برخی کشورهای آفریقایی همچون الجزایر و مراکش بود که هزاران سید علوی در آنجا زندگی می‌کردند، ولی در اثر تبلیغات مسموم در ادوار مختلف تاریخی و کوشش دشمنان تشیع و نیز به جهت دوری از مراکز تبلیغی، ناآگاهانه نسبت به امام اول شیعیان اعتقاد نداشتند.

به زودی، برنامه‌های مؤسسه، دیگر کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپای غربی و استرالیا را هم تحت پوشش قرار داد و صدها نفر به تشیع معتقد شدند و هزاران نفر از دیدگاه‌های افراطی علیه شیعیان دست برداشتند. اما دولت بعث عراق که تازه بر سر کار آمده بود، این مرکز را مصادره کرد و ایشان به اجبار به کویت رفت و سپس به ایران آمد. این عالم

۱. ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۷۸؛ به نقل از: اسلام و تعلیمات تربیتی، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۲ و ۱۳ و صفحاتی از زندگی آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، ص ۸ (با اندکی تغییر در عبارت)

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۸۲

خواب دید و پرسید: پرارزش‌ترین عمل دنیایی که ثوابش در آن دنیا عاید شما گردید، چیست؟ پدرم گفته بود: پربرکت‌ترین اعمال به حال من دستگیری از فقرا بود، آن هم فقرایی که درب منزل آمده و مبلغ ناچیزی را طلب می‌کنند.»<sup>۲</sup>

#### ☐ شیخ هادی نجم‌آبادی

یکی از دوستان مرحوم شیخ هادی یک طاقه عبای گرانبها برایش آورد. شیخ فرمود که در بازار بفروشند و با پولش چند نیم تنه پوستین بدون آستین بخرند. به این ترتیب ۱۵ دست پوستین نیم تنه خریدند؛ شیخ یک نیم تنه را خود پوشید، یکی را به خادمش داد و ۱۳ دست دیگر را به تن مستمندان پوشاند.

روزی آن دوست سراغ شیخ آمد و سراغ هدیه‌اش را گرفت، شیخ ماجرا را نقل کرد و حاضران شگفت‌زده شدند.<sup>۳</sup>

همچنین نقل کرده‌اند: یکی از

اعضای دولت شهید رجایی، آنها را متوجه اصل «حکومت برای خدمت» کرد و فرمود:

«شمایی که الآن به حکومت رسیدید، حکومت نیست، خدمتگزار هستید. اسلام حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد. منتها قوای انتظامی هم دارد؛ برای سرکوبی آنهایی که می‌خواهند خیانت بکنند...

شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. این پیش خدا ثوابش بیشتر از این است که خودتان را حاکم حکومت بدانید. حکومت هم همان خدمتگزار است... این برای مردم چه لذتی دارد؛ آن که دیده است بچه‌هایش از بین رفته، حالا این حکومتی پیش آمده که همه‌شان با هم برادرند و همه کوشش می‌کنند که برای مردم یک کاری بکنند، تا توان دارند برای مردم می‌خواهند کار بکنند.»<sup>۱</sup>

#### ☐ میرزا مهدی شیرازی

آیت‌الله سید محمد شیرازی می‌گفت: «پس از رحلت پدرم، میرزا مهدی شیرازی، شخصی او را در

۱. همان، ج ۱۳، ص ۷۶.

۲. یکصد داستان، ص ۳۷.

۳. سیمای بزرگان، ص ۲۷۸.

### ◻ امام موسی صدر

امام موسی صدر هر روز هیجده ساعت و گاه بیشتر کار مفید انجام می‌داد. فعالیتش را از شهر صور در جنوب لبنان آغاز می‌کرد و آخر شب در طرابلس و حومه آن در شمال لبنان، به پایان می‌رساند. او هر روز ساعت ۷ از خانه خارج می‌شد و دو نیمه شب برمی‌گشت. گاهی که نزدیکان به او اعتراض می‌کردند، می‌گفت: «چاره‌ای ندارم. نمی‌توانم مشکلات مردم را ببینم و بی‌تفاوت باشم.» گاهی به خاطر مسافرت‌های پی در پی خانواده‌اش دو ماه تمام او را نمی‌دیدند و برخی اوقات لب به اعتراض می‌گشودند. ولی امام موسی صدر می‌گفت: «اگر من حق این جامعه را ادا کنم، حق خانواده‌ام را هم به جا آورده‌ام، ولی اگر تنها حق خانواده‌ام را ادا کنم، حق جامعه به جا آورده نشده است. امروز مسئولیت این مردم با من است و نمی‌توانم خانواده‌ام را بر آنها ترجیح دهم.»

پیش از هجرت وی به لبنان (۱۳۳۸ ش) مردم بر اثر نفوذ استعمار فرانسه هویت اصیل و مستقل خود را از

شاگردان شیخ هادی نجم‌آبادی به مرض سختی دچار شد. او که اهل کابل بود، به استاد پیام فرستاد که کسی را ندارم. استاد با یکی از شاگردانش به ملاقات او رفت. شاگردی که همراه استاد رفته بود، می‌گفت: «در چند دقیقه اول به دلیل ناراحتی گوارش یکی دو بار به قضای حاجت رفت و بار سوم نتوانست.» استاد گفت: «علی محمد خان این مرد غریب است. او را سرپا بگیر که پیش خدا بی‌مزد نیست.» من نیز این کار را کردم، ولی از شدت بوی عفونت حالم به هم خورد. استاد او را شست و خوابانیدیم.

پس از چندی آن مرد غریب دوباره مریض شد و این بار شیخ هادی خود تا زمان حیات شاگرد کابلی از وی پرستاری کرد و بعد از وفات هم او را به خاک سپرد.<sup>۱</sup>

### ◻ حاج شیخ عبد الکریم حائری

آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه می‌فرمود: «زمانی که طلبه بودم، مریض شدم. مرحوم حاج شیخ [عبد الکریم حائری] از منزل خودش جوشانده درست می‌کرد و برای من می‌آورد.»<sup>۲</sup>

۱. پله پله تا آسمان علم، ص ۸۶

۲. همان، ص ۸۷

دولت به بهانه‌های واهی از تأمین برق برخی خیابانها سرباز می‌زد، او هزینه برق را می‌پرداخت و در محله‌هایی که نیاز به آب داشتند، در حدّ توان آب‌انبار می‌ساخت.<sup>۲</sup>

### □ آیت الله سید محمد تقی

#### خوانساری

آیت الله نوری همدانی می‌گفت: «چند نفر بودیم که می‌خواستیم خدمت آیت الله خوانساری شرفیاب شویم. نزدیک منزل ایشان که رسیدیم، دیدیم از جایی تشریف می‌آورند. به در منزل که رسیدند، نیازمندی آمد و گفت: پیراهن ندارم! آقا وارد منزل شد و ما هم پشت سرش داخل شدیم. آقا عباى خود را از تن بیرون آوردند و بعد پیراهن [خویش را] از بدن در آوردند و به آن نیازمند دادند و قباى خود را پوشیدند و بدون پیراهن نشستند و به کار مردم رسیدگی کردند و به سؤالات ما هم پاسخ دادند.»<sup>۳</sup>

دست داده، به ملتی سلطه‌پذیر تبدیل شده بودند و جوانان به دلیل احساس حقارت، شیعه و مسلمان بودن خود را انکار می‌کردند و حتی مرده‌هایشان را هم در قبرستانهای مسیحیان دفن می‌کردند. اما با سالها تلاش دلسوزانه امام موسی صدر کار به جایی رسید که مسیحیان برای کسب هویت به اسلام و تشیع تمسک می‌جستند.

از جمله خدمتهای امام موسی صدر می‌توان به تأسیس جمعیت بز و احسان، خانه دختران بی سرپرست، آموزشگاه قالی بافی، مرکز بهداشتی درمانی، مدرسه صنفی جبل عامل و حوزه علمیه اشاره کرد. و نیز در میان خدمات سیاسی اش به شیعیان به تشکیل «مجلس اعلای شیعیان» اشاره نمود. او در بخش فعالیتهای آزادی‌بخش و نظامی هم جنبش مستضعفان و سازمان امل را تأسیس کرد.<sup>۱</sup>

### □ آیت الله سید صدر الدین صدر

آیت الله صدر، پناه محرومان بود و برای رسیدگی به وضع مستمندان صندوقهایی به وجود آورد. با موقعیت ممتازی که داشت، به خانه دیگران می‌رفت و برای نیازمندان کمکهایی جمع‌آوری می‌کرد و به آنان می‌رساند. حتی وقتی

۱. امام موسی صدر، امید محرومان، ص ۲۹۵ و

۱۳۴.

۲. ستارگان حرم، ج ۳، ص ۲۱۲.

۳. داستانهایی از زندگی علما، ص ۱۰۵.